

## اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی پیرامون انحطاط مسلمانان و انقلاب مشروطیت ایران

### ۳

اینک متن هردوبخش از رساله افغانی برای نخستین بار در یک جا آورده میشود:

چرا اسلام ضعیف شد؟

ان‌الله لایغیرما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم . ذلک بان الله لم یک مغیرا"  
نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم ۲۷

این آیات قرآن کریم است و کتاب حکیم و هادی بصراط مستقیم و منادی  
دین حنیف . شک نمیکنند در او جز گمراهان دیوانه و زندقان از خرد بیگانه  
قرآن کتاب منزل از آسمانست بر بهترین پیغمبران تا خلق را هدایت کند و از  
وادی ضلالت نجات بخشد . پس بگوئید آیا خداوند از وعده خود تخلف میکند؟  
آیا رسولان را تکذیب میفرماید؟ آیا فریب میدهد؟ آیا بندگان خود را بضلالت  
میاکند؟ آیا آیات بینات را بلغو و عبث نازل کرده؟ آیا انبیاء باو نسبت دروغ  
میدهند؟ آیا پیغمبرانش بدو افترا میبندند؟ العیاذ بالله ، معاذالله . خداوند  
راستگوترین راستگویان است . در وعده خود صادق است . رسولان و پیغمبرانش  
هم معصومند ، دروغ نگویند ، افترا نزنند ، و خلق را بهدایت دعوت کنند . نسبت  
عبث و لغو بذات ذوالجلالش کفر و الحاد است تعالی عما یقولون علوا کبیرا ۲۸  
حکیم مطلق جز بحکمت کار نکند و بوعد و وعید وفا نماید سنتش تغییر نکند و  
کلماتش تبدیل نپذیرد - لامبدل لکلماته ۲۹ - آیا آیات محکمت بزبان دیگر است  
که ما نباید بفهمیم؟ آیا خداوند بر رمز صحبت کرده و خلق را از هدایت بقرآن  
منع فرموده؟ آیا اشارات و کنایاتی است که ما دراک نمیکنیم؟ آیا زبانی عجیب و  
غریب است که جز پیغمبر کسی نمیفهمد؟ استغفرالله قرآن کتاب خداست که برای  
هدایت و راهنمایی فرستاده بزبان عربی ساده بیان فرموده آنچه خلق را بکار  
آید و در معاد و معاش لازم باشد در او ذکر نموده شفای درد گمراهی است و درمان

مرض نادانی که و شفاء لما فی الصدور<sup>۳۰</sup> زبان مرغان نیست. رمز و اشاره در محکمت آیانش نگفته. واضح و صریح بزبانیکه بدویان و اعراب و هر عربی دانی ملتفت شود نطق فرموده. یکم رشد دائمی و راهنمای ادبی است که تا روز قیامت برقرار است و رافع اشتباه هرگز باطل باونزدیک نشود و از هیچ سو خلل بدوراه نیابد. لایاتیه الباطل من بین یدیه و لامن خلفه<sup>۳۱</sup> خداوند متعال در کتاب مجید خود ما مسلمانان را وعده ها فرموده نویدها داده مژده بزرگی و سیادت داده که بر حسب آنها بایستی اسلام بر سایر ادیان و مذاهب عالم برتری داشته، مسلمانان زبده بنی آدم و سروران اهل عالم شوند چنانکه میفرماید: ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین<sup>۳۲</sup> عزت و بزرگی مخصوص خدا و رسولش و مسلمانان است غیر از مسلمین کسی را عزت نداده ایم و این خلعت را باندام این امت مرحومه پوشانیده ایم در جای دیگر میفرماید: وکان حقا "علینا نصر المؤمنین<sup>۳۳</sup> یعنی بر خداوند لازم و واجب است که مسلمانان و مؤمنان را یاری و کمک کند بر سایر مردم غلبه و ظفر بخشد. نیز جای دیگر فرموده: لیظهره علی الدین کله و کفی باللله شهیدا<sup>۳۴</sup> یعنی خداوند باید دین حنیف اسلام را بر تمام دینها و مذاهب غلبه دهد تا آنان را سراسر فروگیرد و خودش در این عهدیکه کرده شاهد کافی است از این قبیل آیات بسیار است و احادیث نیز در این خصوص بیشمار که منجمه است. الاسلام یعلو و لایعلی علیه<sup>۳۵</sup> اسلام باید همیشه در مرتبه اعلی باشد و هیچ دینی بر او ارتفاع نجوید بلی در این آیات محکمت خداوند بما صریحا "وعده نصرت و ظفر و عزت و علو کلمه داده است بقسمی که ابد" قابل تاء و یل نیست و هیچ مسلمان دینداری نمیتواند انکار آنرا بنماید مگر آنکس که از صراط المستقیم شریعت منحرف گشته کلمات الهی را تحریف نماید. آیا این آیات متشابهات است که نباید پیرامون آنها گشت؟ آیا توجیه و تاء و یل قبول نمیکند؟ آیا خداوند در آنها عزت مسلمانان را موقت فرموده و تا زمانی محدود مقید ساخته؟ خیر جملگی محکمانند که ابد" کسی نمیتواند در معنای او شبهه نماید و مدتی محدود نیز در آنها نیست بلکه تا قیامت و ظهور ساعت باید اسلام و اسلامیان سربلند و مفتخر بوده و بر عالمیان پیشی گیرند و سبقت جویند امت اسلام را خداوند با قلت عدد و کمی جمعیت برانگیخت و شاه نشان را با اعلی درجه عظمت رسانید باندازه ای که اقدام خود را بر قلل جبال شامخه ثابت نمودند و کوهها را از صولت خویش متزلزل ساختند؛ از شنیدن نامشان دلها طپیدی و از هیبت شان بدنها لرزیدی و زهره نام آوران شکافتی و ظهور عجیب آنها هر نفسی را بهول انداخته و هر عقلی را در ترقی فوق العاده شان متحیر ساخت و اهل عالم انگشت عبرت بدنان گرفتند و از ترقیات محیر العقول اینقوم

در مدتی اندک سخت حیران ماندند که آیا این راه آهن برق را از کجا بدست آورده اند که یک طرفه العین فرسنگها راه می پیمایند و این ماشین پرقوه را چگونه ایجاد نمودند که در آنی هزارها بارستگین را بردوش میکشند. چگونه اقوام شجاع عالم از مقابله با آنها عاجز و ناتوان شدند و چنان مملکتهای بزرگ فرسوده سم ستورشان گردید؟ لکن دانایان حقیقت بین، حقیقت خواه، حقیقت شناس، علت این ترقی ناگهانی را یافته چنین گفتند: قوم کائوا مع الله فکان الله معهم. مسلمانان با خدا بودند و در راه اعلاء کلمه الهی کوشش کردند و خدا را در هیچ حال فراموش ننمودند پس خدا نیز با آنها بود و نصرت خود را قریب رکابشان فرمود چنانکه صریح قرآن شریف است. ان تنصر الله ینصرکم<sup>۳۶</sup>. یعنی اگر خدا را یاری کنید خدا نیز شمار را یاری میکند. واضح است که خداوند با کسی جنگ ندارد و عاجز هم نیست تا محتاج بیاری و کمک بندگان خود باشد بلکه مقصود آنست که اگر خدا را همیشه حاضر و ناظر دانسته و در راه اعلاء کلمه خدا و اجرای اوامر و نواهی شریعت الهیه جهاد و کوشش کنید خداوند شما را ظفر میدهد و نصرت کرامت میفرماید. ملت اسلام را در اول ظهور نه جمعیت زیاد بود و نه تهیه کافی نه آذوقه داشتند و نه اسلحه. با این حال صفوف ملل عالم را شکافتند و کران تا کران را زیر قدرت و حکومت خویش در آوردند و ممالک دیگران را متصرف شدند. نه برجهای مجوس و خندقهایشان جلوگیری از آنها را کرده و نه قلعه های محکم رومانیان مانع از حمله و غلبه ایشان گردید نه قشون جرار حایل و نه شمشیر آبدار عایق شد و نه عظمت پادشاهان جهان ترسی در دلشان افکندونه ثروت دشمنان در قلوبشان اثری بخشید. نظم و ترتیب مملکتی خللی در ارکان وجودشان نیفکند. علوم و فنون دیگران رخنه در بنیادشان نینداخت. بهر سو که رو کردند چون شیر خشمناک شیرازه وجود دشمنان را پاشیدند و هر جانب متوجه شدند لشکر مخالف را زیر و زبر نمودند. هرگز بخاطر کسی خطور نمیکرد که این مشت اعراب بی سامان ارکان دول عظیمه را متزلزل نمایند و نام و نشانشان را از صفحه عالم محو کنند. در هیچ سینه خلجان نمیکرد که این گروه ضعیف ناتوان ملل قاهره جهان را مقهور و مغلوب نمایند و دین خود یعنی شریعت اسلام را در عالم جای گیر و متمکن سازند و عالمیان را خاضع و خاشع اوامر و نواهی قرآن نمایند. لکن این امر عظیم واقع شد و این امت مرحومه با کمال ضعف و بی اسبابی بمقامی رسیدند که هیچ امتی را آن مقام میسر نگشت و در هیچ تاریخی نظیرش دیده نشد جهت چه بود؟ جهت آن بود که عهدیکه با خدا بستند وفا کردند پس خداوند نیز آنها را در دنیا و آخرت اجر جزیل کرامت نمود. در دنیا عزت و در آخرت سعادت. اکنون باحوال حالیه مسلمانان نظری کنیم و با اوضاع سابقه مقابله نمائیم و ترقی و تنزلشانرا معلوم کنیم امروز جمعیت مسلمانان در تمام عالم

زیاده از ششصد کرور است یعنی دوهزار برابر جمعیتی که مسلمانان در زمان فتح ممالک عالم داشتند و مملکتشان از کنار دریای محیط اطلس ( در مغرب افریقا است ) تا قلب مملکت چین همه اراضی مستقل و آباد بهترین نقاط کره زمین صاحب طبیعی و آب و هوای پاکیزه و تربت طیبه و دارای انواع و اقسام نعمتهای خدا داد قابل همه قسم زراعت و مراکز ثروت و مکتب منبع علم و معرفت همان نقاطیکه از اول تاریخ تا این اواخر پناه گاه اهل عالم و نقطه تمدن و عمران بوده و پادشاهانش همیشه ملک الملوک جهان بوده اند . منجمله در یگقطعه کوچک آن یعنی از کنار دجله تا نیل چندین دولت بزرگ بوده است که هر یک از اعظم دول عالم شمرده میشدند مثل آشوریان ، فنیقیان ، بابلیان ، مصریان ، کلدانیان اسرائیلیان ، وغیره . بدبختانه با این حال بلاد مسلمانان امروزه منهوب است و اموالشان مسلوب . مملکتشان را اجانب تصرف کنند و ثروتشان را دیگران تصاحب نمایند . روزی نیست که بیگانگان بر یک قطعه از قطعات چنگ نیندازند و شیئی نیست که یکفرقه شان را زیر حکومت و اطاعت نیاورند . آبرویشان را بریزند و شرفشان را بر باد دهند نه امرشان مطاع و نه حرف شان مسموع است . بیزیرنجیر عبودیت شان کشند و طوق عبودیت برگردنشان نهند و خاک مسکنت و مذلت بر فرقشان ریزند و آتش قهر در دودمانشان زنند نامشان را جز بزشتی نکوبند و اسمشان را جز بیدی نبرند . گاهی وحشی شان خوانند زمانسی با قساوت و بیرحمشان دانند و بالاخره همگی را دیوانه و از دانش بیگانه گویند از سلسله بنی آدم شان خارج کرده چون حیوان با آنها سلوک کنند . یا للمصیبه . یا للرزیه . این چه حالت است این چه فلاکت است . مصر و سودان و شبه جزیره بزرگ هندوستان را که قسمت بزرگی از ممالک اسلامی است انگلستان تصرف کرده ؛ مراکش و تونس و الجزائر را فرانسه تصاحب نموده ؛ جاوه و جزائر بحر محیط راهلند مالک الرقاب گشته ؛ ترکستان غربی و بلاد وسیعه ماوراءالنهر و قفقاز و داغستان را روس بحیطه تسخیر آورده ؛ ترکستان شرقی را چین متصرف شده و از ممالک اسلامی جز معدودی بر حالت استقلال مانده ؛ اینها نیز در خوف و خطر عظیم اند . شب را از ترس اروپائیان خواب ندارند و روز را از وحشت و دهشت مغربیان آرام نیستند . نفوذ اجانب چنان در عروقشان سرایت کرده که از شنیدن نام روس و انگلیس بر خود می لرزند و از هول کلمه فرانسه و آلمان مدهوش میشوند این همان ملت است که از پادشاهان بزرگ جزیه می گرفتند و امراء عالم با کمال عجز و انکسار بدست خود باج بدیشان میدادند امروز کارشان بجائی رسیده که در بقاء و حیاتشان اهل عالم ماء یوسند و در خانه خود زیر دست و توسری خور اجانب اند . هر ساعت بحیله ای بیچارگان را بترسانند و هر دم به نیرنگی روزگارشان را سیاه و حالشان را تباه سازند . نه پای گریز دارند و نه دست ستیز . پادشاهانشان بملوک دیگر فروتنی آغازند تا مگر چهار صباحی زندگی کردن بتوانند .

ملت شان پناه بخانه این و آن برند شاید اندکی راحت شوند. آه آه این چه فاجعه عظیمی است؟ این چه بلائی است نازل گشته؟ این چه حالی است پیدا شده؟ کو آن عزت و رفعت؟ چه شد آن جبروت و عظمت؟ کجا رفت آن حشمت و اجلال؟ این تنزل بی اندازه را علت چیست؟ این مسکنت و بیچارگی را سبب کدام است؟ آیامیتوان در وعده الهی شک نمود؟ معاذ الله. آیامیتوان از رحمت خدا ماء یوس شد؟ نستجیر بالله. پس چه باید کرد؟ سبب را از کجا پیدا کنیم؟ علت را از کجا نفحص کرده و از که جويا شویم؟ جز اینکه بگوئیم ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیر و اما بانفسهم. ۳۷ ما کان ربک لیهلک القرى بظلم و اهلا مصلحون ۳۸ چرا مسلمانان ذلیل شدند؟ چرا دین اسلام ضعیف شد؟ کفار چرا غالب گردیدند؟ این پریشانی از کجا است و خرابی از چه راه است؟ باید حل این مسئله مشکل را از قرآن مجید پرسش نمود در آن آیه که فرموده ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیر و اما بانفسهم ۳۹ معنی آیه چنان است که خداوند متعال هیچ قومیرا از عرش عزت و رفعت بزیر نیاورد و از آسمان استقلال و حریت بقعر چاه و پیل بندگی و عبودیت نیفکند مگر بعد از آنکه از سنتهای الهی که بر اساس حکمت نهاده است انحراف جستند. خداوند بر نمیدارد نعمتی را که بقومی عنایت فرموده مگر بعد از آنکه آن قوم حالات خود را تغییر بدهند. (ناتمام)

۲۷- ترجمه: "خداوند حال هیچ فردی را دگرگون نخواهد کرد که تا زمانی که خود آن مردم حالشان را دگرگون سازند" ، سوره رعد ، آیه ۱۱ . " ( حکم ازلی حقا ) این است که خدا نعمتی را که به مردمی عطا کرد دگرگون نمیسازد تا هنگامیکه آن مردم حال خود را دگرگون سازند " ، سوره انفال ، آیه ۵۱ .

۲۸- ترجمه: خدا از آنچه میگویند منزه تر و برتر است " ، سوره بنی اسرائیل آیه ۴۳ .

۲۹- ترجمه: " کسی در آنکلام تغییر و تبدیل نتواند داد " ، سوره انعام ، آیه ۱۱۵ .

۳۰- ترجمه: " شقای دلهاست " ، سوره یونس ، آیه ۵۷ .

۳۱- ترجمه: " و هرگز از پیش و پس ( آینده و گذشته حوادث عالم ) این کتاب باطل نشود " ، سوره فصلت ، آیه ۴۲ .

۳۲- ترجمه: " و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است " ، سوره منافقون ، آیه ۸ .

۳۳- ترجمه: " و بر خود یاری اهل ایمان را حتم گردانیدیم " ، سوره روم ،

آیه ۴۶ .

۳۴- ترجمه : " تا آنرا بر همه ادیان غالب گرداند و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافی است " ، سوره فتح ، آیه ۳۸ .

۳۵- این حدیثی است که نسبت آن به پیامبر اسلام داده شده است : نگاه کنید به محمد بن اسماعیل البخاری ، الجامع الصحیح . به تصحیح M. L. KREHL ( لندن ، ۱۸۶۲ ) ، جلد ۱ ، صفحه ۳۴۰ .

۳۶- ترجمه : " اگر شما خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری میکند " سوره محمد ، آیه ۷ .

۳۷- بخش نخستین رساله در این نقطه پایان میرسد ؛ نقل از مقالات جمالیه ، صفحات ۱۶۴ - ۱۷۰ و بخش دوم رساله بنقل از روزنامه حبل المتین ، ۲۰ مه ۱۹۰۷ از همین نقطه آغاز میگردد .

۳۸- ترجمه : " خداوند هیچ مردمی و اهل دیاری را در صورتیکه آنها نیکوکار باشند به ستم هلاک نمیکند " ، سوره هود ، آیه ۱۱۷ .

۳۹- سوره رعد ، آیه ۱۱ .

بقیه از صفحه ۴۷

پرداخته شده ، لیکن چنانکه در همان مقدمه اشارتی رفت ، تحقیق به حد مستوفی نرسید ، لذا در این جا پیرامون آن بررسی و تحقیقی خواهد شد .  
 عدل اسم مصدر و از عدل یعدل عدلا " بوده و معنی فعل و فاعل نیز از آن قصد کرده اند اگر کلمه عدل به فعل وصف شود ، مراد کار درست و نیکویی است که از فاعلی سرزند و چون بنا و پایه خلقت جهان بر خیر و درستی است پس معنی عدل در آن نهفته است زیرا مراد از عدل همان استیفاء حق می باشد و چنانکه باطل مغایر خیر است ، حق از مفهوم خیر جدا نیست . اما اگر عدل به معنی فاعل باشد ، بیشتر به طریق مبالغه آمده ، مانند صائم برای صوم ، و راضی و منور برای رضا و نور . در این صورت خداوند را به صفت عدل یعنی عادل و حکیم متصف می داریم و از معنی آن عدم انجام فعل قبیح و صدور حسنات افعال و خلقت خود این است که ، ذات او عالم به قبیح و مستغنی از آن می باشد و به تحریر برهانی چنین افعال قبیح را اختیار نمی کند ، و وجه دلیل عالم بودن خداوند به قبیح فعل قبیح علم ذاتی او به جمیع معلومات است ، که قباحت قبح نیز از معلومات ذاتی او به دور و جدا نیست .

(ادامه دارد)